

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Stire

طنز

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
۶ نومبر ۲۰۰۹

## شکوه ۶۷

( ۹ ) در جرمنی :

{ ق }

من که دهن بسته ام از گفت و گو  
این رَقَمَّ حَرَق. غشا میکند  
تاب نیاورد ، قلم گریه کرد  
زانکه زبان شرم و حیا میکند  
حاجی رجب ! خامه چها میکند  
گریه کند ، عرش صدا میکند  
هر قدرش پند و نصیحت کنی  
بیشترک کارِ خطا میکند  
حال که بی پرده بیان کرده ام  
رازِ نهان حَرَقِ غطا میکند  
حاجی رجب ! حاجی چها میکند  
گشته دبل ، مکر و ریا میکند  
لیک اگر قاضی شود باخبر  
قتلِ مرا حکم ، روا میکند

گر کسی این شعر به مسجد برَد  
پوستِ سرش حاجی جدا میکند  
حاجی رجب ! حاجی چها میکند  
گشته دبل ، مکر و ریا میکند  
بس کنم و چیزی نگویم دگر  
زانکه ز من راه ، سوا میکند  
حرفِ حقیقت چو شدی آشکار  
بلبلِ حق نغمه ، سرا میکند  
حاجی رجب ! حاجی چها میکند  
گشته دبل ، مکر و ریا میکند  
سهو ، ز «نعمت» شد اگر دوستان  
معذرتش رو به شما میکند  
دست بلند کرده به وقتِ نماز  
توبه به درگاهِ خدا میکند  
حاجی رجب ! حاجی چها میکند  
قتلِ مرا حکم ، روا میکند [[  
قوسِ شروع کرده کنون ، بند بند  
شکوهِ این تازه جوان ، قند قند  
حاجی رجب ساکت و اُطروش بین  
تازه جوان گربه ، رجب موش بین  
وای رجب ، گربه ، خروشان نگر  
حاجی رجب ، موشِ پریشان نگر

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

## شکوهِ ٦٨

( ٩ ) در افغانستان :

{ الف }

حاجی رجب تازه جوان را بگفت  
آنچه نوشتی ، همه اش حرفِ مفت  
باش جوان ، منتظرِ انتقام  
قبرِ ترا هم بکنم پیشِ عام  
وای رجب ، شعرِ جوانان نگر  
دیر پزند شلهٔ مردان نگر

**بقیه دارد**